

دهات دزمار

DEZMAR

توضیحی بر نزهة القلوب حمدالله مستوفی

بهنگام مطالعه کتاب ارزنده نزهة القلوب حمدالله مستوفی که یکی از اسناد معتبر و ذقیمت جغرافیای قدیم است و مجدداً و بکوشش و همت محقق محترم آقای دکتر دبیر سیاقی تصحیح و تحشیه شده در باب ذکر بلاد آذربایجان بمطالبتی برخوردارم که لازم دانستم علاوه بر- آشنائی کامل به منطقه مورد بحث بلحاظ زادگاه آباء واجدادی و داشتن علاقه ملکی و مسافرتهای سالیانه تابستانی و مهم تر از همه کار تدریس جغرافیائیم (۱) در دانشگاه تبریز توضیحی مختصر در مورد پاره‌ای از مطالب کتاب مزبور بدهم و شاید از این راه کمکی بروشن شدن مطالب متن که در اثر استنساخ‌های متعدد نسخ قدیمه در حال ابهام مانده است نموده باشم.

در اینجا ذکر دهات را به ترتیبی که در نوار مرزی قرار گرفته اند می‌آوریم و نقشه ضمیمه نیز روشنگر این مطالب است.

دزمار

۱- در صفحه ۱۰۱ از کتاب مزبور مینویسد « دزمار - ولایتی است در شمال تبریز - کما بیش پنجاه پاره دیه بود و دوزال و کوردشت و قولان و هرا و خوروانق از معظمت آن. هوایش معتدل است بگرمی مایل و آبش از آن جبال برمیخیزد و فضلابش در ارس میریزد. حاصلش غله و پنبه و انگور و میوه بهمه انواع میباشد و بیشتر از همه جا رسد و نوباوه تبریز از آنجا باشد. حقوق دیوانیش چهل هزار و هشتصد دینار است. »

همانطور که در کتاب نزهة القلوب نوشته‌اند دزمار اکنون نیز یکی از ولایات پانزده گانه ارسباران فعلی و قراداغ سابق است که برابر آمار رسمی اداره کل آمار و ثبت احوال دارای یکصد و ده قریه بوده و بدو منطقه دزمار خاوری و باختری تقسیم شده و در حوزه فرمانداری شهرستان اهر قرار گرفته است.

۱- دوزال

قریه دوزال هنوز هم دوزال تلفظ میشود و وجه تسمیه آن معلوم نیست و در مکاتبات و اسناد دولتی نیز دوزال نوشته میشود. دهی است درست بر لب رودخانه ارس و در ساحل چپ (۲) رودخانه دوزال که در همین جا به ارس میریزد و در روبروی ده دوزال شهر مرزی قرچوان در خاوه شوروی قرار گرفته است. دوزال در حدود سیصد نفر جمعیت دارد و کل مردم آنجا باغداری

۱- تدریس جغرافیای مفصل ایران ۲- ده کوردشت در ساحل راست رودخانه در

و فلاح و کشت برنج و تربیت کرم ابریشم است و رودخانه دوزال زمینهای زراعتی این ده را آبیاری میکند.

رودخانه دوزال از شانزده رودخانه بزرگ و کوچک که از ساحل راست و چپ بآن میریزند تشکیل میشود و از کوههای ایری سرچشمه میگردد و ارتفاع این کوه در حدود ۲۸۰۰ متر است. دامنه جنوبی کوه ایری که مشرف بر جلگه تبریز است خاکی و با شیب ملایمی وارد جلگه تبریز میشود و چون راه تبریز - ایری دوزال اقصی راه بین تبریز تا قراباغ میباشد علیهذا مورد استفاده عباس میرزای قاجار قرار گرفته و هنگام جنگ باروسیه قوای توپخانه عباس میرزا از طریق تبریز - صوفیان - امند - ترب - ارتفاعات ایری و دره رودخانه دوزال تا بقریه دوزال ویا کوردشت میرسیده است هم چنین در کنار دوزال از رودخانه ارس راحت تر میتوان عبور نمود و مردمان دوزال و کوردشت نیز سابقاً بکرجی رانی اشتغال داشته و شناسگری ماهر بوده اند که همه این جهات در توجه عباس میرزا بدین راه مؤثر بوده است. رودخانه دوزال از جدار شمالی کوه ایری از متفرعات رشته ارسباران سرچشمه گرفته و در سرچشمه مجرای آن تنگ و سنگی است ولی در قسمت میانه بستر آن عریض شده و در مصب عرض رودخانه سیصد متر میرسد. دره رودخانه دوزال از لحاظ جغرافیائی و زمین شناسی قابل مطالعه و بسیار دیدنی است زیرا دره های رودخانه های شانزده گانه با وضع عجیبی از ساحل چپ و راست در دره رودخانه مادر (دوزال) دهان باز کرده و رسوبات و مواد شسته شده در اثر سیلابها و فرسایش طی قرون و اعصار را در بستر رودخانه دوزال تخلیه نموده و منظره بسیار تماشائی و عجیبی بوجود آورده اند. رودخانه در قسمت سفلی چون از زمین های سست میگردد بستر خود را حفر و گاهی تا پنجاه متر حفر نموده است. آب آن در بهاران بسیار زیاد و گل آلود و عبور غیر ممکن ولی در تابستان صاف است.

۲- کوردشت

کوردشت که در اصطلاح محلی کرداش Kurdach گفته و کوردشت نوشته میشود یکی از دهات معتبر مرزی است که در کنار ارس واقع شده و در حدود سیصد و پنجاه نفر جمعیت دارد. و بردور این ده حصاری از سنگ و آجر با ارتفاع هفت متر کشیده اند که هنوز قسمت زیادی از این حصار بچشم میخورد و ده دو درب ورودی داشته که بوسیله برجهایی مراقبت می شده و فعلاً خراب است و از آثار قابل ذکر در این ده حمامی است که فعلاً دو حوض مرمرین بسیار عالی با استیل خاصی و ظرافت بی نظیری از دستخوش حوادث در امان مانده است.

این ده سابقاً مرکز خوانین این منطقه بوده که بنام خلفاء معروف بوده اند و به رتق و فتق امور مردم آنسامان میپرداخته اند.

رودخانه دوزال حد فاصل بین ده کوردشت و در ال بوده و زمینهای زراعتی و باغات این دو ده در ساحل راست و چپ رودخانه قرار گرفته اند

۳- قولان

ده قولان در سمت شمال شرقی قریه کوردشت بفاصله تقریباً بیست کیلومتر در جوار رودخانه ارس واقع شده که در مکاتبات و محاورات قولان نوشته و گفته میشود.

در مدخل این ده عرض دره ارس در طول مسیر خود از پلدشت تا خداآفرین به تنگترین

نقطه خود میرسد و از يك مجرای سنگی با غرش زیاد می‌گذرد .

راه دوزال و کوردشت به قولان از کنار ارس در پای کوههای کمتال که ارتفاع آن بسه هزار متر می‌رسد از جاده باریک سنگی در ارتفاع ۲۰۰ متر از بستر ارس می‌گذرد که در طی قرون و اعصار رد پاهای آدمی و چهارپایان آنرا بوجود آورده و گاهی درپاره ای از قسمتها طوری تنگ می‌باشد که اهالی آنجا را بنام بند (۱) نامیده‌اند و چون فوق‌العاده صعب‌العبور است و انسان در موقع گذشتن از آنجا دچار ترس و لرز و دلهره میشود هر کدام از این بندها را با لقبی ملقب ساخته‌اند مانند بند تب لرز بند سیاه و غیره .

جمعیت قولان در حدود ۳۰ نفر است و ده داهای باغات زیاد است و بخصوص انار و انجیر انگور آن معروف بوده و از محصولات دیگر آن پنبه و برنج و لوبیا و تربیت کرم ابریشم معمول است .

۴ - مسن

بعد از ده قولان در نوار مرزی قریه مسن بروزن کهن قرار گرفته که مؤلف فقید از آن در نزهة القلوب نامی نبرده و یا در آن زمان وجود نداشته و فعلاً دهی است در ۱۴ کیلومتری قولان در سمت شرقی آن که در حدود ۲۶۷ نفر جمعیت دارد و دارای باغات انگور و انجیر و انار است .

۵ - هراس

کلمه هراس را مصحح محترم در ذیل صفحه ۱۰۱ باین شکل مرقوم داشته‌اند (۶ - ؟) و اینکه هراس با حرف (راء) نوشته شده سابقاً در اصل هراز با (ز) بوده و محققاً در اثر استساخت مکرر کاتبان نقطه (زاء) افتاده و تبدیل به (راء) شده است زیرا قریه هراز که فعلاً هراس گفته و نوشته میشود سابقاً وجود داشته ولی فعلاً فقط قبرستانی وجود دارد که بنام قبرستان هراس موسوم است و باغات مصلی در این قسمت وجود دارد که بنام «کفش هراس» (۲) موسوم است و پاسگاه هراس در این جا قرار گرفته است .

علت خرابی و متروک ماندن قریه هراس را اینجانب آنچه از معمرین شنیده‌ام اینست که در اثر ناخوشی وبا و مرگ و میر زیاد چون عده‌ای قلیلی از خانواده‌ها باقی مانده است بقیه باقیمانده ساکنین ده چون نفرات شان کم بوده و بروز ناخوشی و مرگ و میر عزیزان خاطرۀ ناخوش‌آیندی را از یکطرف ایجاد و از طرف دیگر نفرات آنها خیلی کمتر از سابق بوده و در برابر حوادث و حمله و هجوم‌های پسرخی خوانین ولایت میشه پاره و غیره که سابقاً معمول و متداول بوده طبعاً نمی‌توانستند ایستادگی و مقاومت کنند و برای جان و مالشان از گزند چپاول غارتگران در امان باشند تصمیم گرفتند به محل دیگری که امن‌تر و دور از محس اولی بوده کوچ کنند و با مذاکره با باقیماندهگان دوقریه همچوار که آنان نیز بهمین مصیبت گرفتار آمده بودند در محل جدید سکونت نمایند که بالاخره باقیماندهگان ساکنین سه ده مذکور در محل جدید گرد آمده و برای خود خانه و کاشانه ساخته و با بادانی آنجا پرداخته‌اند که آن محل فعلاً اشتبین

۱- در اغلب اوقات بعلت تنگی راه چهارپایان با بارشان برودخانه سقوط کرده و از بین رفته‌اند .

۲- کفش در اصطلاح محلی بمعنای منطقه وسیع زمینهای مزروعی و باغات قریه ای را گویند .

Uchtebin نام دارد و آثار خرابه دو ده سیاوشان و جعفر آباد فعلا هم مشهود است .

۶ - اشتیمن

واما اشتیمن دهی است بسیار معمور و آباد که بفاصله تقریبی چهارده کیلومتر از رودخانه ارس در سمت جنوبی رودخانه و قریه سابق هراز یا هراس در داخل دره‌ای در ملتقای دو کوه بسیار مرتفع بر روی يك سکوی عظیم سنگی بطور مطبق قرار گرفته که شباهت زیادی بشهرماکو دارد و از اجتماع سه ده هراز یا هراس و جعفر آباد و سیاوشان بوجود آمده است و شاید نام او چتیبین یا اشتیبین بهمین مناسبت باشد زیرا کلمه (اوچ) بمعنای سه در ترکی است ولی بقیه آن معلوم نیست چه معنائی داشته است زیرا زبان رایج در هراس و تا ۷۰ سال پیش در خود قریه اشتیمن زبان تاتی بوده که فعلا دریکی از دهات مجاور آن بنام کرنکان معمول و اهالی بدان تکلم می‌کنند ولی زبان تاتی در اشتیمن فعلا متروک و فقط پاره‌ای از معمربین بدان زبان مختصر آشنائی دارند . « دو ده دیگر نیز در ولایت میشه پاره بدان زبان صحبت میکنند . »

جمعیت اشتیمن با وجود مرگ و میر وبای سالهای ۱۲۸۸ و ۱۳۲۰ قمری و مجاعه سال ۱۳۳۶ قمری در حال حاضر به ۱۲۰۰ نفر میرسد .

کار مردم این ده باغداری و فلاحت و داد و ستد است و دکانهای متعدد معتبری وجود دارد که ساکنین اغلب این منطقه مایحتاج خود را از این ده تأمین میکنند .

با اینکه زراعت غلات در اشتیمن بعلت کوهستانی و سنگی بودن زمینهای آن غیر مقدور است ولی خود ده انبار غله آن حدود بشمار می‌رود و حتی دهاتی که فقط محصول غلات دارند اغلب کمبود غله سالیانه خود را از دکانهای این ده تأمین میکنند .

از آثار تاریخی این ده چند کتیبه است که بخط زیبای ثلث نوشته شده و مربوط به زمان شاه طهماسب بهادرخان صفوی است که تاریخ بنای ساختمانی را بفرمان این سلطان صفوی نشان میدهد و کتیبه‌های سرقبرهای موجود در قبرستان اشتیمن که از مرمرهای بسیار عالی است تاریخ وفات متوفی را بنام کند خدا خواجه ملک بسال ۸۴۳ و تاریخ وفات دیگری را بنام خواجه احمد بسال ۹۷۶ هجری قمری نشان میدهد .

باغات اشتیمن بسیار مفصل و بزرگ و محصولات آن گیلاس و گوجه و زردآلو و انار و انجیر و انگور است که نوبر گیلاس و گوجه تیریز از آنجا میرسد .

اشتیمن یکی از مراکز پرورش کرم ابریشم و تولید خود ابریشم میباشد .

۷ - زنگیان

در باب زنگیان در سطر ۱۲ صفحه ۱۰۱ متن کتاب چنین است : « زنگیان چند پاره‌ده است و اکنون داخل مردانقم .

پل خداآفرین برآب ارس در آن حدودست . بکر بن عبدالله صاحب رسول الله صلی الله علیه و سلم ساخت در سنه خمس عشر هجری . »

به تحقیق محلی بنام زنگیان در ساحل جنوبی رودخانه ارس که جزو مرز ایران است از جلفا تا خداآفرین وجود ندارد الا اینکه زنگلان نام ولایتی است در قراباغ شوروی تقریباً در محاذات مردانقم که سابقاً تا استیلای شوروی‌ها بر قفقاز و قراباغ در زمان حکومت تزارها بازار

معتبر هفته داشته که از هر سو منجمله از جانب آبادیهای ایران از جمله اشتبین و مردانقم و غیره برای خرید و فروخت کالا بدان بازار میرفته‌اند و شاید منظور مؤلف همان زنگلان باشد که آنوقتها جزو خاک شاهنشاهی ایران بوده و سپس در زمان تنظیم عهدنامه‌های ترکمانچای و گلستان از پیکر عزیز وطن ما جدا کرده‌اند و شاید نام آنولایت زنگیان باشد که فعلا در اصطلاح عامه زنگلان نامیده میشود .

دیه مردانقم را که مؤلف جزو این ولایت نامیده‌اند تا یل - دا آفرین با اسب دو روزه راهست و در صفحه ۹۶ سطر هشتم که به ولایت مردانقم اشاره نموده ، این مردانقم همان مردانقم میباشد که بشرح آن میپردازیم .

۸ - مردان قم

در صفحه ۹۶ سطر ۸ چنین مینویسد: « مردان قم ولایتی است ، کوانی و کلاله و جرم از معظمت آنست . حاصلش غله و انگور و میوه نیکو باشد و بعضی مواضع در کنار ارس واقع شده حقوق دیوانیش هشت هزار و هفتصد دینار است.»

مردان قم یا مردانقم که فعلا در مکاتبات مردانقم و در محاورات مردان آقام گفته میشود دهی است آباد با باغات انگور و انار و انجیر دارای ۶۰۰ نفر جمعیت و در شش کیلومتری جنوبی رودخانه ارس در دره‌ای باصفا و وسیع قرار گرفته که از دو جانب کوههای مرتفع آن را در میان گرفته‌اند و این ده مشرف برودخانه ارس نمیشد ولی رودخانه مردان قم که از جلوی ده میگذرد پس از دریافت رود کوانی پارس میریزد .

۹ - کوانی

کوانی که در سر راه مردانقم قرار گرفته در نوشته‌ها کوانی (۱) و در اصطلاحات عامه کوانی گفته میشود در داخل دره‌ای قرار گرفته و مشرف برودخانه ارس نمیشد و فاصله آن تا رودخانه ارس در حدود سه کیلومتر است و این ده نیز دارای باغات انار و انجیر و انگور میباشد و تعداد ۲۰۰ نفر جمعیت دارد .

۱۰ - کلاله

کلاله که در زبان عامه کله گفته میشود و کلاله نوشته میشود بنام دودستان اطلاق میگردد که یکی در کوهستان واقع شده و دیگری در کنار ارس؛ و مقصود از کلاله همانست که در کنار ارس واقع شده است و بنام کلاله قاسم خان (بلحاظ خان سابق آنجا) و یا کلاله انگور (نظر بکثرت و مرغوبیت انگور آنجا) معروفست . و به نام جرم که در ذیل صفحه ۹۶ طی شماره ۹ اشاره نموده‌اند باین ترتیب («۱» «نج» ؛ جزم ؛) ده یا آبادی بدین نام یا نام مشابه آن در نوار مرزی یا در داخل ولایت دزمار وجود ندارد و اگر وجود داشته فعلا از بین رفته است و نامی که با این کلمه مشابهت داشته باشد در میان اسامی دهات دزمار وجود ندارد الا اینکه قریه‌ایست در کوهستان بنام هوج که در اصطلاح عامه هس گفته میشود که البته مشابهتی با نام‌های (حرم یا جزم) ندارد که این ظن حاصل شود که در موقع استنساخ تحریفی در آن بعمل آمده باشد .

۱۱ - قلعه کهران

در صفحه ۹۵ و سطر ۱۹ به قلعه کهران چنین اشاره می‌کند « قلعه کهران پیشتر از این محکم بوده و اکنون خرابست حاصلش غله و پنبه نیکو باشد . »

قلعه کهران که فعلاً بنام مزرعه گوهران (۱) معروفست و در محاورات عمومی کهران و کووران گفته میشود فعلاً جنگل انبوهی است که در سمت جنوب ارس بفاصله شش کیلومتر از قولان تقریباً در محاذات آن قرار گرفته که بوسیله یک دره سنگستانی بقولان منتهی شده و نیز آبهای کهران به رودخانه قولان میریزد و قطعات چندی زمین مزروعی هم دارد .

آثارده خرابه در ته دره وجود دارد و ساکنین ده از دست مارهای زیاد و خطرناک این دره گرمسیری آبادی خود را ترك و بسایر دهات پناه برده‌اند . در حال حاضر گوهران جنگل بسیار انبوهی است که ممکن خرسها و گرگها و گرازهای وحشی و مارهای خطرناک است و در منتهی‌الیه قسمت سفلاهی دره گوهران معادن مس مخلوط با مقداری طلا وجود دارد که در زمان روسیه تزاری از آنها مواد مسی استخراج و پس از تصفیه از کنارده قولان به روسیه میبردند.

۱۲ - خوروانق

در صفحه ۱۰۱ سطر ۸ راجع به ده خوروانق در ذیل صفحه در شماره ۷ چنین نوشته‌اند (۷ - دج ، خوروانق . (در فرهنگ جغرافیا ج ۴ ، خوروانق) .

خوروانق فعلاً دهیست در کنار کوههای کمتال در یک دامنه مسطح کوهستانی با ۵۵۰ نفر جمعیت که در جنوب شرقی رودخانه ارس بفاصله در حدود ۲۵ کیلومتر قرار گرفته دهیست آباد و معمور و در محاورات عمومی خروانا و در نوشته‌ها خوروانق نوشته میشود که صحیح آن همان خوروانق است و یک مسجد قدیمی در این ده وجود دارد که مورد احترام و زیارت ساکنین و حومه آن میباشد و مومیائی اصیل توسط مردمان این‌ده که در صخره صعب‌العبوری در کوهستان کمتال میجوشت تهیه میکرد .

مجله یغما : برهرایرانی واجب است که این مقاله را بخواند و گوشه‌ای از وطنش را بشناسد . اگر هر استاد جغرافیا را چونین تحقیقی دقیق باشد ، شناختن نقاط ایران وسیع آسان خواهد شد .

باستاد محترم رحیم هویدا - که زیارتش نصیب نشده تحسین‌های بی‌شائبه خود را نثار می‌کنیم .

۱ - مزرعه گوهران متعلق باینجانب بوده که پس از تصویب قانون ملی شدن جنگلها به مالکیت اداره منابع طبیعی آمده است .